

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾

سوگند به خورشید و تابندگی اش

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها ﴿٢﴾

سوگند به ماه چون پی (خورشید) رود

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴿٣﴾

سوگند به روز چون (زمین را) روشن گرداند

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾

سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾

سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾

سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾

سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾

سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾

که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿10﴾

و هر که آلوده اش ساخت قطعا در باخت

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿11﴾

[قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿12﴾

آنگاه که شقی ترینشان بر [پا] خاست

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿13﴾

پس فرستاده خدا به آنان گفت زنهار ماده شتر خدا و [نوبت] آب خوردنش را حرمت

نهدید

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿14﴾

و[الی] دروغزش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند و پروردگارشان به [سزای]

گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿15﴾

و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد